

ما را به دم پیر نگه نتوان داشت
در خانه دلگیر نگه نتوان داشت
آن را که سر زلف چو زنجیر بود
در خانه به زنجیر نگه نتوان داشت



تقلید حکومت اسلامی از حجاب زنان قبل از اسلام!

هنوز صدای شعارهای زنان و مردان ایران، مبنی بر خواست «حجاب اختیاری» به جای «حجاب اجباری»، در کمپین های انتخاباتی گم نشده، که طرفداران بی چون وچرای حجاب اجباری دوباره در حکومت اسلامی به راه افتاده اند تا از یکسو به یاد مردمان پیاورند که: «آن حرف ها مال زمان قبل از انتخابات بود و دوباره یا روسری و یا توسری» و، از سوی دیگر، با دادن اطلاعات کاملاً غلط در مورد تاریخ و فرهنگ ایرانی، به مردم خودمان بگویند که «حجاب فقط به دوران پس از حمله ی اعراب به ایران مربوط نیست و متعلق به کل تاریخ ایرانیان و از سنت های کهن ما است!» و در عین حال به مردم دنیا و آن دسته از کسانی که تحت عنوان «نسبیت فرهنگی» به تبعیض بین انسان ها در شرق و غرب معتقدند بفهمانند که حجاب اجباری جزو فرهنگ ما است».



در هفته گذشته خانم اشرف یوسفی، کارشناس امور بانوان اداره ی کل تبلیغات اسلامی استان قم، ضمن این که اعلام کرده است که به زودی طرح «اجرای حجاب و عفاف همزمان با ۱۰ استان کشور در قم برگزار خواهد شد»، بدون آن که کلمه ای از ارتباط اسلام و حجاب سخن بگوید، تاکید کرده که اجرای این طرح برای «حفظ و تقویت فرهنگ و هویت ایرانی و ارج نهادن به ترویج الگوهای بومی و ملی» است. مهمترین بخش طرح مزبور که در این ده استان اجرا می شود عبارت است از اینکه آخرین مدها {ی قم} برای چادر و مانتو به وسیله ی تولید کنندگان و عرضه کنندگان عرضه شود.

ایشان در ضمن فرموده اند که: «از انتخاب و مصرف الگوهای بیگانه و غیرمانوس با فرهنگ و هویت ایرانی» باید پرهیز شود؛ و برای این که ثابت کنند حجاب اجباری مربوط به فرهنگ ایرانی است (و حتماً فردا هم خواهند گفت که اصلاً حجاب اجباری ربطی به اسلام ندارد و اسلام هم آن را از ایران گرفته است)، دست به تاریخ شناسی و دروغ گویی بزرگ (یا به زبان خودشان، مصلحتی) زده و گفته اند: «در میان اقوام و تمدن های عهد کهن، پوشش زن ایرانی در مقایسه با پوشش تمدن های دیگر، کامل تر بوده است. از این رو، در هیچ کتیبه و نقش برجسته ای نمی توان زن ایرانی را حتی با سر برهنه مشاهده کرد».



بنظر می رسد که ایشان واقعاً نمی دانند که اگر نقش برجسته ای از زنان بدون حجاب در ایران باقی نمانده دلیل اش آن است که، به گفته ی تاریخ شناسان حتی مسلمان، همه ی آنها را در جریان حمله ی اعراب به ایران و در دوران پایه گیری تشیع در زمان صفویه شکسته اند و البته باقیمانده ی آنها را هم در دوران آقایان احمدی نژاد و رحیم مشایی یا رنگ پاشی یا تخریب و یا خارج کردن شان از موزه ها و محوطه های باستانی و فرستادن شان به خارج کشور و فروختن شان به موزه های خصوصی و عمومی کشورهای «کافر» از انظار عمومی در ایران به دور کرده اند.

با این حال، خوشبختانه و همچنان، هر محوطه ی تاریخی که شکافته و باز می شود نشان از زنانی دارد که اصلاً نمی دانسته اند حجاب چیست و بچه کاری می آید. در این میان فکر می کنم که باید از این موسسات ریز و درشت تبلیغات اسلامی و گردانندگانش پرسید: «شما به گذشته ی ایران چه کار دارید؟ چرا به اکنون نگاه نمی کنید و نمی بینید که میلیون ها زن ایرانی مشکل اجباری بودن پوشش هایی را دارند که دوست ندارند و، دور از چشم شما و پاسداران و قداره کشان تان، از این پوشش استفاده نمی کنند؛ همان ها که اکنون در سراسر جهان به خیابان ها آمده اند و درد حجاب اجباری را هم نه تنها به عنوان فرهنگی غیرخودی، که به عنوان رفتاری ناقض حقوق بشری، چون دردهای دیگر سرزمین مان، فریاد می کنند

هفتم جولای ۲۰۰۹

shokoohmirzadegi@gmail.com

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>